فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۶۳-۱۵۱ Vol 2. No 23. 2018, p 151-163
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

امکان سنجی اجرای مجازات حد قطع عضو در راستای اهدای عضو

اسماعیل هادی تبار[۱]. سارا رضائی[۲]. محمدحسن مالدار[۳]
۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه مازندران، ایران
نویسنده مسئول ehaditabar@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران. ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران. ایران

چکیده
یکی از مسائلی که در عصر حاضر و به سبب پیشرفت قابل ملاحظه دانش پزشکی هویدا گشته و آثار حقوقی و فقهی فراوانی را بدنبال داشته مسأله پیوند عضو است. یکی از موضوعات چالشی و اساسی در رابطه با این موضوع، بحث پیوند عضو از محکوم به حد به افراد دیگر است. این اقدام عقلی و نقلی در هیچ یک از قوانین و مقررات موضوعه مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله این عمل با سنجه های مختلف بررسی گشته و نتیجه آنکه با توجه به دلایل «عسر و حرج»، «پیشگیری از قاچاق عضو»، «احسان و نیکوکاری»، «تغییر عقول»، «لاضرر» و «تسلیط» می بایست به این اقدام توجه و گنجاندن آن در قوانین کیفری امکان سنجی شود.

واژه‌های کلیدی: پیوند عضو، اهدای عضو، لاضرر، تسلیط، تغییر شیوه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

حدود در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران، ازجمله نهادهایی می باشد که مستقیماً از شرع مقدس اقتباس‌شده‌اند. حدود نیز بسته به نوع جرایم اشکال و انواعی دارد که ازجمله آن رجم، قتل، قطع عضو می باشد. به همان اندازه که بررسی این مجازات‌ها و شرایط تحقق آن‌ها لازم و ضروری است، نحوه‌ی اجرای آن‌ها نیازمند توجه، بررسی و تبیین است.

قابلیت اجرای کیفر های حدی به شیوه‌ی اهدا عضو مقوله‌ای نوین می‌باشد که متاسفانه تا به امروزه بدان بی‌توجهی شده است و در این باره با خلأ قانونی روبه‌رو هستیم. مجازات های حدی در نظام عدالت کیفری اسلام از مصادیق مجازات های بدنی و ناظر بر جسم انسان می‌باشند. به تبع آن حکومت های اسلامی با وجود انتقادهای شدید از جانب جامعه بین الملل و فشارهای بین المللی همچنان بر اجرای مجازات های بدنی از جمله قطع دست اصرار می ورزد. آخرین نمونه مجازات های این چنینی، قطع دست سارق گوسفند در زندان مشهد بود که با واکنش های ملی و بین المللی زیادی روبرو گشت.[1]نمونه دیگر حکم قطع دست سارقین سوسیس و کالباس در سال ۱۳۹۶ بود.[2]حال با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و رویه دادگاه ها در صدور چنین احکامی، این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال اساسی است که آیا امکان پیوند عضو از جانب محکومان قطع دست به افراد نیازمند و یا به افرادی که مکلفان اراده نمایند وجود دارد؟

در راستای نیل به این مقصود؛ نخست به بیان توضیح و تبیین مفاهیم پرداخته می‌شود سپس فلسفه اجرای حدود بررسی می‌گردد و در ادامه، نظرات موافقان و مخالفان پیوند عضو مطالعه می‌شود. در گام سوم ضرورت ها و توجیهات چنین اقدامی و نظر مختار نویسندگان تبیین خواهد شد.

۱-مفهوم شناسی

۱-۱ حد

در هر سیستم کیفری، مجموعه اصول و قواعدی در خصوص جرایم و مجازاتها وجود دارد، تا هدف قانون گذار از وضع احکام قانونی تحقق یابد. نظام کیفری اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به خصوص برای مجازاتهای حدی، اصول و ضوابطی در نظر گرفته است. عظمت و جایگاه این دسته کیفرها، به حدی است که در آیات متعدد قرآن و روایات، بر لزوم اهتمام به آنها و سودمندی و منافع حاصل از اجرای آنها، تأکید فراوان شده است به عنوان مثال پیامبر اسلام (ص) در حدیث قدسی تعطیلی آن‌ها را برابر با دشمنی با خداوند دانسته اند (حر عاملی، ۱۴۰۱: ۱۸/ ۳۰۹).

1.https://www.isna.ir/news/96102815192/ اجرای- حکم-قطع-دست-دزد-گوسفند-در-زندان-مشهد

2. https://www.yjc.ir/fa/news/6248929/ قطع-دست-مجازات-دزدیدن-چندین-کیلو-سوسیس-و-کالباس-در-تهران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حدود در لغت جمع حد است. متخصصین علم لغت دو معنای عمده برای واژه حد ذکر کرده اند یکی از این معانی، حد فاصل و جدا کننده دو چیز است (فاصله میان دو شیء به گونه ای که با هم مخلوط نشوند). در واقع فاصله میان همه اشیاء حد میان آنان است و انتهای هر شیء حد آن است و یکی از این موارد، مرز زمین ها یا حدود حرم است یا همانطور که حدود الهی میان حلال و حرام فاصله می اندازد (حاجی علی و معینی فر، ۱۳۹۴: ۱۹). و دیگری در معنای منع به کار رفته است. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود فلان شخص محدود است یعنی ممنوع می باشد، به دربان نیز حداد گفته می شود، زیرا مانع دخول مردم می‌گردد. حدید به معنای آهن نیز از حد گرفته شده است بدلیل امتناع و استواری آن و همچنین غیرقابل انعطاف و دارای صلابت و شدت بودن. حد گناهکار نیز به این دلیل حد نامیده شده که مجرم را از تکرار آن باز می دارد...» (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۵۴).

در فقه امامیه، واژه حد و جمع آن حدود به معنای مجازات بدنی خاصی که موارد کم و کیف آن از سوی شارع مقدس، پیش بینی شده است و این معنای مشهور حد است (جبعی عاملی، ۱۴۱۹: ۳۲۵). صاحب جواهر (ره) در مورد تعریف اصطلاح شرعی حد می فرمایند: «... و شرعاً عقوبهٔ خاصّهٔ تتعلّق باءیلام البدن بواسطه تلبّس بمعصیه خاصّهٔ عیّن الشارع کمیتها فی جمیع افراد» (نجفی، ۱۳۶۵: ۲۵۴). یعنی: حد شرعاً مجازات ویژه است که در رابطه با آزار جسم به جهت معصیت خاصی که مکلف مرتکب شده است انجام می پذیرد که شارع مقدار آن را در تمامی افراد و مصادیقی که دارند مشخص فرموده است.

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حد را چنین تعریف نموده است: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است».

۱-۲ پیوند عضو

پیوند: پیوند در لغت به معنای اتصال، پیوستگی و همبستگی می‌باشد (دهخدا) همچنین گفته اند پیوند یعنی روياندن و کاشتن (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج۱۱، ۱۸۷).

عضو: در زیست شناسی به بخشی از بدن با کارکرد مشخص، عضو می‌گویند. همچنین در معنای لغوی، عضو را هر گوشت فراهم آمده بر استخوان دانسته اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج۲، ۱۹۳).

پیوند عضو: در علم پزشکی به انتقال سلول، بافت یا عضو به نحوی که عملکرد آن محفوظ بماند پیوند عضو گویند و بر دو نوع ارتو توپیک و هترو توپیک است (بزمی، کیانی، رضوانی، ۱۳۸۸: ۸۹). تعریف دیگری که از پیوند عضو بعمل آورده اند این است که عضو یا جزئی که کارایی ندارد یا ناقص است، از بدن شخص جدا و نظیر آن عضو در بدن وی جایگزین شود تا عمل عضو اصلی را برای پیوندگیرنده انجام دهد. (میرخلیلی، کرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲- فلسفه اجرای حدود

تمامی اوامر و نواهی الهی بر اساس مصلحت و مفسده ای است که خداوند حکیم برای به سعادت رساندن بشریت در دنیا و آخرت در نظر گرفته است زیرا طبق فرموده امام صادق (ع): «هیچ چیزی از جانب شارع مقدس جعل نشده است مگر بر اساس علّت و هدفی» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۷، ج۶، ۴۵۹). خداوند باری تعالی برای حفظ آن ها ضمانت اجراهایی وضع نموده است که از مهمترین آن ها می توان به حدود اشاره کرد. بی شک اجرای حدود فواید زیادی برای جامعه اسلامی دارد. برای نمونه می‌توان به پیشگیری از جرم، اصلاح مجرم، اجرای عدالت و ارضای مجنی علیه اشاره کرد (مومنی، علوی، رستمی نجف آبادی، ۱۳۹۶، ص۵۹). از منظر علامه طباطبائی (ره) فلسفه وضع حدود و اهتمام شارع مقدس بر اجرای آن، دفاع از مصالح و ارکان بنیادین جامعه و پیشگیری از جرم است چرا که جرایم مستوجب حد، تجاوز و تعدی به ارکان بنیادین جامعه است و هر یک با هتک مصالح اساسی، به پیکره جامعه لطمه وارد می‌کنند (نمازی فر و دیگران، ۱۳۹۵، ۵۰). شهید علامه مرتضی مطهری فلسفه وضع حدود را در اهمیت به حیات اجتماع برای تحقق آرمان سعادت می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۴: ج۲، ص۲۱۱). مطالعه و مداقه در کلام علما و فقها در رابطه با این بحث نتیجه بسیار مهمی به همراه دارد که اندیشمندان کمتر بدان توجه نموده اند و آن اینکه در اجرای حدود، فایده ای نیست که بر انسان پوشیده باشد به معنای دیگر فلسفه وضع و اجرای آن برای انسان قابل درک و فهم است. این نظر، دیدگاه کسانی را که به طور کلی مخالف هرگونه بحث عقلی پیرامون احکام دین می باشند و معتقدند فلسفه وضع حدود بر انسان پوشیده است و عقل ناقص بشر در کشف علت آن عاجز است (برنجکار، ۱۳۷۸، ص۱۲۱) را به چالش می کشاند. طبق آنچه که گفته شد می توان نتیجه گرفت که فلسفه وضع و اجرای حدود بهره اجتماعی آن است و بر خلاف آنچه که گفته اند (غلامی، آقایی میبدی، ۱۳۸۹، ۲۲۰). شارع مقدس در حدود صرفاً در پی اجرای به موقع و کامل آن نبوده است. در تقویت نظر نگارنده می‌توان به حکم حضرت علی (ع) در رابطه با ممنوعیت اجرای حدود در سرزمین دشمن اشاره کرد (حرعاملی، ۱۴۰۰، ج ۲۸، ۱۶۰). در اجرای حدود در سرزمین دشمن بی شک فایده ای متصور نبوده است بلکه موجب آن می شده که چهره ای خشن از اسلام به نمایش گذاشته شود که حضرت علی (ع) با کیاست و فراست خاص خود این نکته را مورد توجه قرار داده اند. باید توجه داشت با وجود تغییر در مفاهیمی چون «عدالت» و پیدایش روش‌های غیر کیفری برای «پیشگیری از جرم» و ظهور روش‌هایی نوین چون کلاس های آموزشی در جهت «اصلاح مجرم» و شیوه های جدید در جهت «ارضای مجنی علیه» و دگرگونی مفهوم «بهره اجتماعی» اما هنوز مقنن بدون توجه به پیشامدهای عصر کنونی بر اجرای حدود پا فشاری دارد. حال که حدود کماکان اجرا می‌شود چرا دست کم از آن در جهات نیکو همچون پیوند عضو از مکلف به نیازمندان بهره نجست؟

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳- موافقان و مخالفان پیوند عضو از مکلف

به دلیل جدید بودن مسئله مطروحه، بحث های مفصلی در این خصوص لااقل از سوی فقها یافت نمی شود و ادله مخالفین پیوند عضو چون حرمت انتفاع از میته، نداشتن منفعت حلال، هتک حرمت میت مسلمان، حرمت آتانازی، حرمت مثله کردن، تاخیر در دفن میت، هیچکدام نمی تواند قابل تسری به موضوع مورد بحث باشد چرا که در این حالت، شخص زنده است و نگاه فقها به پیوند غالباً محدود به پیوند عضو از شخص مرده به زنده است که از بحث حاضر خارج بوده و پژوهشی دیگر می‌طلبد. با این حال برای مخالفین در این زمینه می‌توان ادله ای متصور بود. شاید مهمترین دلیل مخالفین پیوند عضو از مکلف؛ اعتقاد آن‌ها بر عدم ملکیت محدود بر عضو خویش باشد زیرا آن ها عضو مقطوع را ملک حکومت می‌دانند و نه شخص. این نظر محل اشکال است زیرا هدف از قطع دست، مجازات فرد و بهره اجتماعی است و نمی توان مجازات دیگری (زوال ملکیت عضو از صاحب آن) بعد از اجرای حد برای وی جایز دانست و همانطور که گفته اند وجوب قطع عضو، جز جدا کردن عضو از صاحبش (تا نتواند بهره مند شود و مایه عبرت دیگران باشد) چیز دیگری فهمیده نمی‌شود و این به هیچ وجه با از بین رفتن اختصاص ملازمه ندارد و مقتضای قواعد، ثبوت و بقای اختصاص است (میر خلیلی، کرمی، ۱۳۹۶، ۱۷۰). ایراد دیگری که مخالفان می‌توانند بر این شیوه وارد نمایند این است که این عمل، موجب به تاخیر افتادن و تعطیلی اجرای حدود می‌شود. در پاسخ باید گفت احادیث صحیحی دال بر تاخیر معصومین در اجرای حد و گاهاً تعطیلی آن به دلیل مصلحت و فایده ای بالاتر وجود دارد (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ۱۵۴). بی شک فایده پیوند عضو و کمک به هم نوع اگر بیش از اجرای حد نباشد کمتر نیست. همچنین با تغییر سیستم رسیدگی دستگاه قضائی و تفکیک آن از هم عملاً امکان عدم تاخیر در اجرای حدود وجود ندارد. به دیگر سخن به دلیل چند مرحله ای شدن فرایند رسیدگی، از اثبات جرم تا اجرای آن ممکن است ماه ها و گاهی سال ها طول بکشد در نتیجه عدم جواز تاخیر فقط در زمان معصوم و دادرسی یک مرحله ای قابل طرح بوده است. همچنین هدف از این شیوه تعطیلی حدود نیست چرا که می بایست از همین اجرای حدود در جهت منفعتی استفاده نمود. به بیان دیگر قائلین به جواز، موافق تعطیلی حدود نیستند زیرا با تعطیلی حدود، این شیوه نیز برچیده می‌شود که آن‌ها دنبال چنین اندیشه ای نمی‌باشند. ایراد بعدی قابل تصور از جانب مخالفین می‌تواند تغییر در کمیت و کیفیت شیوه اجرای حدود باشد. در پاسخ بیان می‌داریم این شیوه نو ظهور نیامده است تا در کمیت اجرا خللی وارد کند زیرا قطع ۴ انگشت برای ۴ نفر مورد استفاده قرار می‌گیرد در حالی که اگر ۳ انگشت قطع شود فقط مشکل ۳ نفر حل می‌شود لذا بی شک قائلین در ذهن خود به دنبال چنین چیزی نخواهند بود. در خصوص ایراد تغییر در کیفیت اجرای حدود (تغییر در شیوه اجرا) این ایراد نه تنها وارد است بلکه شاید مهمترین تقابل مخالفین و موافقین بر سر همین مورد باشد. در این خصوص باید توجه داشت شیوه اجرای حدود منحصر به آن شیوه هایی که شارع مقدس دستور فرموده نمی باشد و یا حتی اگر نیز منحصر بوده است عدول از آن تخطی از اوامر وی نیست چرا که عملاً برخی از شیوه‌های اجرای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مجازات در زمان حال مطرود گشته اند و امکان اجرا به آن شیوه مهیا نیست حتی اگر زمانی معصوم بدان عمل نموده است مانند شیوه سوزاندن واطی در جرم لواط (نجفی، ۱۳۷۶ریال ج۴۱، ۳۸۱-۳۸۲) همچنانکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ردپایی از چنین شیوه های اجرای مجازات ها به وجود ندارد. همچنین اگر پیامبر اسلام (ص) فرموده اند که تنها اجرای مجازات با آهن امکان پذیر است (محقق حلی، ۱۴۰۹ ج ۴، ۱۰۸) دلیل آن جلوگیری از تعذیب مجرم و نظام مند سازی شیوه اجرای بوده است و لاغیر. در نتیجه اگر امروز روش هایی به مراتب بهتر و کارآمد تر از قطع دست با آهن بوجود آمده است، دلیل عقلایی برای تمکین آن ها نمی باشد. در این زمینه حتی اگر عده ای بی حس نمودن و بیهوش نمودن مکلف را مخالف هدف از اجرای حد یعنی تعذیب وی بدانند باز هم با پیوند عضو در تضاد نمی‌باشد زیرا می توان بعد از قطع دست بدون بیهوشی، آن را پیوند نمود.

٤- ضرورت ها و توجیهات

نگارندگان برآنند تا در این قسمت از مقاله ضرورت‌ها و توجیهات گذر از مجازات‌های حدی به سوی پیوند عضو را بررسی نمایند.

٤-١ قاعده عسر و حرج

قدر جامع تمام نظریات فقهی در خصوص قاعده لاحرج این است که بر مبنای این قاعده ی کلی در اسلام وجود احکامی که منتهی به حرج و مشقّت گردد در دین اسلام منتفی است. خواه این حرج نسبت به شخص یا گروه خاصی و یا مربوط به اجتماع و نوع مردم باشد. امروزه اما به یُمن پیشرفت بشر در علم و تکنولوژی و ظهور عصر ارتباطات، جهان به مثابه دهکده یا خانواده ای است که هر یک از اعضاء آن در ارتباط با دیگر اعضا است و دائماً در تعامل و انواع داد و ستدها از جمله داد و ستد فکری، فرهنگی است.

از جمله لوازم عصر حاضر این است که هر کشور نمی‌تواند بدون توجه به بازتابهای اجتماع جهانی و عرف غالب بر جهان، به اجراء سیاستهای خود بپردازد. در کنار واقعیتی به نام مصالح ملی، نوعی از مصلحت، شکل گرفته است که برای فقیهان سده های پیشین چنین مهمی، جایگاه « مصالح بین المللی » تحت عنوان و معنایی نداشته تا بخواهند در نظریات فقهی خویش لحاظ کنند. این گونه مصالح نوظهور، بقول شهید حتی می تواند موجب تحول در فهم نصوص شرعی شود، چرا که دلالت اجتماعی نص از نظر ایشان بعضاً بسیار گسترده تر از دلالت لغوی آن است و فقیه باید تمام جوانب را در نظر بگیرد و بر اساس ارتکاز و فهم اجتماعی از نص عمل کند (صدر، ۱۳۶۳، ۳۲-۳۳). لذا فهم اجتماعی فقیه در جهان معاصر، نمی‌تواند مصالح بین المللی را که لاجرم جزو مصالح اسلام گشته، نادیده انگارد. یکی از این مسائل واکنش به اجرای مجازات های حدی در حال اجرا در کشورهای اسلامی از جمله جمهوی اسلامی ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

است. زیرا اجرای مجازات های حدی می تواند تبعات گسترده ای همچون افزایش تحریم‌ها و فشارها علیه حکومت های اسلامی را به همراه داشته باشد. در نتیجه اجرای مجازات های حدی به شیوه پیوند عضو شاید بتواند از گستره این تحریم ها کم کند و حتی آن ها را از بین ببرد.

٤-٢ پیشگیری از قاچاق عضو

قاچاق می تواند به گونه های مختلفی انجام گیرد و یکی از این گونه ها قاچاق اعضای انسان است که موضوعی متفاوت از جرم قاچاق انسان است. قاچاق انسان یا به عبارت بهتر سوداگری انسان فرآیندی شامل رفتارهای مختلف مجرمانه است که بر تجارت انسان به منظور بهره کشی او استوار است (عینی، ۱۳۹۰: ۲) ولی قاچاق اعضا شامل رفتارهای مجرمانه است که بر تجارت و سوداگری نامشروع اعضای بدن انسان مبتنی است و باید آن را از قاچاق انسان حتی اگر به منظور برداشت اعضا باشد متمایز دانست (عینی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). بنظر می رسد مهمترین عامل قاچاق عضو افزایش تقاضا و کمبود عرضه عضو باشد. یکی از راه های تامین اعضای نیازمندان پیوند عضو از اشخاص دچار مرگ مغزی شده، می‌باشد. این روش نمی‌تواند تامین کننده نیازهای تمامی نیازمندان به عضو باشد. همانطور که گفته شد نیز در صورت کمبود عضو کشور با خطری بزرگتر به نام «قاچاق عضو» روبرو می شود که مخالف کرامت انسانی، نظم و هنجارهای عمومی و ارزش های اخلاقی است و اقتدار حکومت را نیز متزلزل می سازد زیرا موجب به خطر انداختن مرزهای کشور و نیز کاهش امنیت جانی و روانی شهروندان آن کشور می‌باشد. همچنین قاچاق عضو می‌تواند موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور و از بین بردن تراز آن شود.

٤-٣ احسان و نیکو کاری

احسان و نیکوکاری از اموری است که در حوزه عمل اجتماعی و هنجارهای پسندیده قرار می گیرد و یکی از فضیلت های اخلاقی نیز به شمار می رود و هر کس که از فطرت سالم برخوردار باشد زبان به ستایش و تحسین اهل احسان و نیکوکاران می‌گشاید. احسان و نیکوکاری، امری عقلی و پسندیده خاص و عام است. همه ادیان الهی، بویژه دین اسلام، اهمیت ویژه ای برای این فضیلت قایل شده اند و آیات متعددی در زمینه احسان وجود دارد. از جمله می‌توان به آیه ۹۰ سوره نحل[۳] و آیه ۱۹۵ سوره بقره[۴] اشاره کرد. همچنین ائمه معصوم نیز تاکید بسیار فراوانی بر احسان داشته اند به عنوان نمونه نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرمایند: «پاداش نیکوکاری زودتر از هر کار خوب دیگری می‌رسد و کیفر ستم و تجاوز زودتر از هر کار بد دیگری

۱. « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ؛ همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید».

۲. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و (از مال خود) در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف)، و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید، و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

گریبان می‌گیرد» (خصال، بی تا، ص ۱۱۰، ح ۸۱)، همچنین امام صادق (ع) فرموده اند «مردم، بیشتر از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می‌کنند و بیشتر از آن که با اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خود می‌میرند» (دعوات الرواندی، بی تا، ص ۲۹۱، ح۳۳). توجه و ارزش قائل شدن به احسان آنچنان در رگ و ریشه آموزه های اسلامی ریشه دوانده است که آیات و روایات اخیرالذکر نمونه بسیار کوچکی از آن است و ذکر همه آن ها شاید نیازمند تالیف چندین کتاب مستقل باشد. برخی از اهم دلایل پاسداشت احسان در دین اسلام را می توان اینگونه بیان نمود که؛ احسان جامعه اسلامی را به سعادت می رساند زیرا احسان موجب بوجود آمدن همدلی و اتحاد در میان مسلمانان می‌شود. همچنین جامعه ای که در آن احسان وجود دارد می تواند الگویی برای جوامع غیر اسلامی باشد و آن‌ها را به گرویدن به اسلام ترغیب سازد. احسان از بین برنده فقر است و احسان در پیوند عضو می تواند زمینه ساز بوجود آمدن فرهنگ غنی اجتماعی در این زمینه شود. دیگر آنکه احسان می تواند موجب پیشگیری از جرم شود زیرا ممکن است فرد فقیری برای تامین عضو مورد نیاز همسر و یا فرزند خویش دست به فساد بزند ولی اگر به پیوند عضو توجه بیشتری شود می توان از جرایم این چنینی جلوگیری نمود. در آخر اینکه احسان بالاخص در پیوند عضو، زمینه‌های زنده و سالم بودن یک جامعه را فراهم می‌کند و برای رسیدن به اهداف تعالی جامعه ای پویا می سازد.

٤-٤ تغییر عقول

اگر بخواهیم بزرگترین تمایز بین انسان معاصر و انسان گذشته را بیان نماییم باید به تفاوت عقول وی با گذشتگان اشاره کنیم. زیرا نگاه انسان امروز به جایگاه خود و تعاریفی که از مفاهیم دارد آنچنان دچار دگرگونی اساسی گشته است که می‌تواند بسیاری از اوامر و دستورها را ولو از جانب شارع مقدس صادر شده باشد به چالش بکشاند؛ چرا که انسان امروز با انسان اعصار پیشین متفاوت است و نگاه او به مسائل بیشتر تکیه بر عقلانیت خویش دارد. انسان معاصر اعتبار سنجی گزاره های دینی را نه به تعبد بلکه به عقلانیت خویش واگذار کرده است. خود را نه موجودی ذی تکلیف بلکه صاحب حق و معیار تشخیص صحیح از سقیم می داند. در نگاه انسان معاصر اجرای برخی انحاء حدود شرعی علاوه بر فقدان کار آمدی، دون شأن آدمی و در تعارض با حقوق، ارزش و کرامت ذاتی او و خرد و عقلانیت جمعی متصور است. برخی جهت رفع این تعارض معتقدند هر گزاره ای که معارض با عقل قطعی باشد به حکم عقل نسخ خواهد شد (کدیور، ۱۳۸۷، ۴۱). در این مورد نیز بی شک عقل انسان اگر اجرای حدود را رد نکند قطعاً اجرای بی فایده آن را مورد شماتت قرار می‌دهد زیرا چگونه عقل انسان قبول می کند که مجازات‌های حدی بدون هدفی که عقل انسان آن را درک نمی کند اجرا شوند وقتی که می‌شود از آن در جهت سلامت جامعه بهره برد در نتیجه اگر از آن ها در جهت فایده اجتماعی بهره ببریم عقل انسان آن ها را مورد پذیرش قرار دهد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤-٥ قاعده لاضرر

ضرر در لغت به معنا زیان و در مقابل نفع و سود است (عمید، ۱۳۶۳: ۶۰۴). قاعده لاضرر از مهم ترین قواعد فقهی به شمار می رود که دارای مستندات عقلی و نقلی فراوان است. به وسیله فقها از مفهوم قاعده مزبور برداشت های متفاوتی شده است که هر کدام آثار مختص به خود را در پی دارد. عده ای از فقها بر این باورند که «لا» در جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» به معنی نهی می باشد یعنی دستور به اجتناب از عملی که موجب زیان به خود یا دیگران است (شریعت اصفهانی، بی تا، ۲۵). دسته دیگری از فقها معتقدند که در جمله لاضرر، نفی حکم به لسان نفی موضوع صورت گرفته است (آخوند خراسانی، بی تا: ج۱، ۳۸۱). بدین شرح که حکم موضوعاتی که آثار زیان بار در پی دارند برداشته می‌شود مانند وجوب روزه که هنگام بیماری فرد، از دوش مکلف برداشته می شود. گروه سوم فقها بر این اعتقادند که نهی موجود در لاضرر، نهی ناشی از حکم الهی نیست بلکه ناشی از اختیارات حاکم اسلامی در مقام اجرا و حکومت داری است. به این ترتیب قاعده لاضرر فقط در تعارض با قاعده تسلیط قرار می‌گیرد و ضمن مقدم شدن، محدوده شمول آن را کاهش می‌دهد (موسوی خمینی، بی تا: ج۱، ص۵۵). در آخر گروهی از فقها قائل به این هستند هر حکمی که از ناحیه شارع صادر گردد، اگر مستلزم ضرر باشد یا از اجرای آن ضرری برای مردم حاصل شود، طبق قاعده لا ضرر برداشته می‌شود (انصاری، بی تا: ۱۷۵). به عبارت دیگر حکم ضرری در اسلام وجود ندارد.

٤-٦ قاعده تسلیط

تسلیط در لغت به معنا گماشتن و مسلط ساختن به کار رفته است (عمید، ۱۳۶۳: ص۳۵۰). قاعده تسلیط یا تسلط از قدیمی ترین قواعدی است که در متون فقهی به کار رفته است. قاعده مزبور بدین معنی است که انسان مستولی بر اموال خود است و هر دخل و تصرفی در مال خویش در صورتی که به دیگران ضرر نرساند جایز می باشد. مانند آنکه مالک عرصه و اعیان می تواند با هر عقد مشروعی مانند بیع، صلح و هبه آن ها را به تسلط و تصرف دیگران درآورد. در همین زمینه روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که «مردم بر اموال خویش مسلط هستند»[5]و در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده به اینکه «مال از آن مالک است، و مادام که زنده است هر کاری که بخواهد می‌تواند با آن بکند» (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۳، ص۳۵۰). با امعان نظر بر احادیث فوق باید توجه داشت که تمامی مواردی که از نظر شرعی و عقلی قابل تصرف است در دایره اموال جا می گیرد.

---

۱. شیخ انصاری (بی تا). المکاسب، جلد ۶، ص ۲۶۴، نشر دار الکتاب، (بی جا).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤-٦-١ مالیت داشتن اعضای بدن

«مالیت داشتن» اموال در حقوق بدین معناست که دارای منفعت عقلایی و ارزش اقتصادی عرفی باشد و مالیت در اشیا به لحاظ رغبت و تمایل نوع انسان و توقف نظام اجتماع بر آن ها، اعتبار می شود (خوانساری، ۱۴۲۱: ص۳۳۹). اعضای بدن انسان در صورت داشتن شرط مالیت عقلایی و ارزش اقتصادی عرفی در زمره اموال قرار می گیرند. در همین راستا عده ای از فقها از جمله موسوی خمینی بر مفید بودن عضو بدن (۱۳۷۹: ج۳، ص۲۳۴) و حسینی روحانی (۱۳۷۶: ص۲۲۳) بر اختصاص اعضای بدن به صورت مالکیت ذاتی تاکید دارند و در مقابل، برخی فقها مانند صاحب جواهر (۱۳۶۵، ج۲۲، ص۳۴۳) به دلیل عدم مالیت انسان به علت عدم صدق سرقت بر آن و آصف محسنی (۱۴۲۵: ص۲۱۷) به دلیل فقدان مالیت جسم انسان با مالیت اعضای بدن مخالفت کرده اند. با جمع ادله موافقین و مخالفین بنظر می رسد دلایل موافقین بر مخالفین به طور نسبی رجحان دارد.

٤-٦-٢ سلطه انسان بر اعضای بدن خویش

نگرش فقها به رابطه مالکانه انسان با اعضای بدن خویش در چهار دیدگاه خلاصه می شود: ۱- مالکیت تکوینی: از آنجایی که اعضای بدن وجودشان قائم به فرد است و در صورت انفکاک از وجود انسان، هستی مستقل ندارند در نتیجه ملک وی تلقی می شوند (طباطبائی، ۱۳۶۸: ج۱، ص۸۸) ۲- مالکیت ذاتی: بدان معناست که برای مال بودن آن، نیاز به امر خارجی ندارد و انسان ذاتا بر اعضای بدن خود مالکیت دارد و کسی نمی تواند او را از این سلطه باز دارد چرا که این نوع از مالکیت نیاز به ارائه دلیل ندارد (شهیدی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۳۲۷) ۳- مالکیت تشریعی: این نوع از مالکیت در نتیجه امضای شرع و عقل می باشد. بدان معنا که از نظر عرفی مردم برای آن ارزش اقتصادی قائل اند و از نظر فقهی دلیل محکمی در رد مالکیت انسان بر اعضای بدن خویش ارائه نشده است (موسوی بجنوردی، کاظمی افشار، ۱۳۸۶: ۴۳) ۴- مالکیت منفعت: انسان صرفا بر منافع اعضای بدن خویش مالکیت دارد و اعضای بدن وی در ملکیت ذات باری تعالی قرار دارد (همان، ۱۳۸۶: ۴۴) در نظر نویسندگان بنظر می آید که مالکیت انسان بر اعضای بدن خود از نوع تشریعی است چرا که از نظر شرع حق تصرف انسان بر اعضای بدن مجاز شمرده شده است مگر آنکه تصرف مذکور موجب اضرار به نفس گردد و در نظر عقلی تصرف مالکانه بر اعضای بدن خویش با رعایت مصلحت و سلامت جایز است. در انتها باید در نظر داشت که اعضای بدن با توجه به مالیت داشتن و مالکیت انسان بر آن ها، مشمول آثار قاعده تسلیط می گردد بدین ترتیب که قاعده مزبور منجر به تنفیذ صحت اعمال حقوقی ای همچون فروش و هبه عضو به انسان دیگر می شود در نتیجه ایرادی نمی تواند بر این شیوه مرتب باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نتیجه گیری

در پایان و در مقام جمع بندی مباحث می‌توان گفت:

ـ اجرای حد قطع عضو از طریق پیوند عضو نه تنها با اهداف حدود منافاتی ندارد بلکه بهره اجتماعی از جمله توجه به سلامت شهروندانِ نیازمند عضو در آن نهفته است که ما را به سوی هدف اصلی اجرای حدود یعنی بهره اجتماعی رهسپار می سازد.

ـ این شیوه ار حیث شرعی نیز با توجه به ادله پیش گفته شده قابل توجه است.

ـ این شیوه موجب پیشگیری از جرایمی چون قاچاق عضو و در راستای ضرورت های بین المللی از جمله جلوگیری از فشارهای سازمان های بین المللی است.

ـ این شیوه در تضاد با اجرای حدود نمی باشد بلکه در صدد آن است که شیوه اجرا را تغییر دهد نه آنکه حدود را به تعطیلی بکشاند زیرا طبق آنچه گفته شد شیوه خاصی در اجرای حدود مد نظر شارع مقدس نبوده است و در مواقعی ائمه آن ها را تغییر می دادند.

ـ با وجود آنکه در عصر حاضر وجدان جمعی شاید برخی از حدود را نپذیرد اما اگر اجرای حدود در راستای پیوند عضو صورت گیرد جامعه فعلی نیز آن را مورد قبول قرار داده در نتیجه این امر موجب استحکام نظام عدالت کیفری اسلام می گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آصف محسنی، محمد (۱۴۲۵)، الفقه والمسائل الطبیه، چاپ ۱، قم، (بی نام).

ـ الشریف، محمدمهدی و میرشکاری، محمدحسن و جلیلی، مهدی (۱۳۹۳)، مشروعیت و ماهیت قراردادی پیوند عضو از انسان زنده، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره سی و یکم، زمستان، صص ۱۹۰-۱۴۹.

ـ برنجکار، رضا (۱۳۷۸)، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، قم، نشر طه.

ـ بزمی، شبنم و کیانی، مهرزاد و رضوانی، سودابه (۱۳۸۸)، بررسی جنبه های و حقوقی پیوند عضو، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره دهم، زمستان، صص ۱۰۱-۸۷

ـ جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۹ ق)، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، ج۱۴، مؤسسه معارف اسلامی، بی جا، چاپ اول.

ـ حاجی علی، فریبا و معینی فر، محدثه (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حدود و تعزیرات در فقه مذاهب خمسه، نشر میزان، تهران چاپ اول.

ـ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱)، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیا،

ـ حسینی روحانی، محمدصادق (۱۳۷۶)، المسائل المستحدثه، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی راهیان.

ـ حسینی زبیدی اوسطی، محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهرالقاموس، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.

ـ سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲)، الملل و النحل، قم، موسسه النشر الاسلامی.

ـ شهیدی، مهدی (۱۳۸۰)، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد۱، چاپ ۲، تهران، مجد.

ـ شیخ انصاری (بی تا)، الرسائل فقهیه، جلد ۱، (بی جا)، (بی نام).

ـ شیخ انصاری (بی تا)، المکاسب، جلد ۶، دارالکتاب، (بی جا)، (بی نام).

ـ شیخ صدوق (۱۳۷۷)، خصال، تهران، نشر کتابچی

ـ طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۸)، تفسیر المیزان، تهران، نشر اسلامیه، جلد ۱.

ـ عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ لغت فارسی، چاپ ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ـ عینی، محسن (۱۳۹۰)، مفهوم و ماهیت جرم سوداگری انسان در اسناد فراملی،حقوق ایران و آلمان، پژوهش های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی) : تابستان ۱۳۹۰ , دوره ۱۵ , شماره ۲ (۷۲) ; از صفحه ۱۱۱-۸۷.

ـ عینی، محسن و نظری، زهرا (۱۳۹۲)، قاچاق عضو در اسناد داخلی و اسناد بین المللی، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶. ۱۲۶-۱۰۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ غلامی، علی و آقایی میبدی، حسین (۱۳۹۲)، اهداف اجرای حدود و تعزیرات در کلام فقها و ساز و کار حل تلافی آن، فقه اهل بیت سال نوزدهم پاییز و زمستان، شماره ۷۵ و ۷۶

ـ فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.

ـ قطب الدین راوندی (بی تا)، الدعوات الراوندی، (بی جا)، (بی نام)

ـ کدیور، محسن (۱۳۸۸)، حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، کویر، تهران.

ـ مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا

ـ موسوی بجنوری و سیدمحمد، کاظمی افشار، هاجر (۱۳۸۶)، معامله اعضای بدن در حقوق ایران با رویکردی به نظرات فقهی امام خمینی (س)، فصلنامه متین، شماره ۳۸، صص ۵۹-۳۸.

ـ موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، جلد ۱، چاپ اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

ـ موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، الرسائل، جلد ۱، بیروت، ناشر اسماعیلیان.

ـ مومنی، عابدین و علوی، سید محمود و رستمی نجف آبادی، حامد (۱۳۹۶)، فلسفه حدود و نقش مصلحت در تقنین آن، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۸۳

ـ میرخلیلی، سیداحمد و کرمی، بهاره (۱۳۹۶)، مبانی فقهی و حقوقی پیوند اعضای محکومان به قصاص و حدود پس از اجرای حکم، مجله پژوهش های فقهی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار، صص ۱۷۹-۱۵۱.

ـ نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۲، قم، دارالکتاب الاسلامیه.

ـ نمازی فر، حسن و دیگران (۱۳۹۵)، واکاوی فلسفه حدود با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبائی، مجله اندیشه علامه طباطبائی، دوره ۳، شماره ۴، تابستان، صفحه ۴۷-۶۸

ـ هادی نجف آبادی، سعید و آیتی، سید محمد رضا (۱۳۹۵)، تبدیل و جایگزینی مجازات‌های اسلامی (حدود و تعزیرات)، متناسب با مقتضیات زمان، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهل و شش، زمستان، صص۱۱۲-۸۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]